



## **An Analysis of Colloquial Expressions in Two Translations of Diary of a Wimpy Kid (2007) Based on Newmark's (1988) Translation Strategies [In Persian]**

**Mahboobeh Morshedian** <sup>\*1</sup> , **Yegane Rahmani** <sup>2</sup> 

1 Assistant Professor Department of English Translation, Toloue Mehr University, Qom, Iran

2 MA Department of English Translation, Toloue Mehr Non-profit University, Qom, Iran



\*Corresponding author: [m.morshedian@tolouemehr.ac.ir](mailto:m.morshedian@tolouemehr.ac.ir)



Received: 02 Sep, 2024    Revised: 23 Sep, 2024    Accepted: 30 Nov, 2024

### **ABSTRACT**

McCrimmon defines colloquial expressions as written or spoken phrases used for direct conversation and creating a sense of intimacy with the audience. He further states that certain general considerations govern the translation of all cultural elements, including colloquial expressions. He suggests that cultural references in the source text should be recognized and respected. When discussing the translation of cultural elements, Newmark points out that colloquial language is less constrained by context compared to ordinary language. However, he also emphasizes the importance of understanding the cultural and idiomatic context of colloquial expressions for effective translation. In such cases, translators must be aware of these overlaps and use appropriate strategies to translate them correctly. This research, based on Newmark's (1988) strategies, examines two translations of colloquial expressions from the first volume of *Diary of a Wimpy Kid* (Kinney, 2007). According to McCrimmon's (1963) model, 100 colloquial expressions were identified in the original text and the two translations by Shadnazar (2021) and Bafandeh (2011), and randomly selected. The study then aimed to determine which of Newmark's (1988) strategies each translator applied and how frequently. The most frequently used strategy in Bafandeh's translation was cultural equivalent (26%), while in Shadnazar's translation it was the mixed strategy (24%). Both translators also leaned toward literal translation (calque) (16% Bafandeh, 22% Shadnazar) and mixed strategy (15% Bafandeh). Additionally, Bafandeh used expansion only once, and Shadnazar used compression only once. Neither translator used the strategies of transference, naturalization, note, or emphasis. Given that both translations were well-received in Iran, it may be concluded that mixed strategies, literal translation (calque), and cultural equivalents are

effective methods for translating colloquial expressions in novels, particularly from English into Persian.

**Keywords:** Diary of a Wimpy Kid, Translation Strategie, Colloquial expressions, Newmark, McCrimmon.

## بررسی عبارات محاوره‌ای در دو ترجمه از کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» (۲۰۰۷) براساس استراتژی‌های ترجمه نیومارک (۱۹۸۸)

محبوبه مرشدیان<sup>۱</sup>، یگانه رحمانی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه طلوع مهر قم، قم، ایران

۲. کارشناسی ارشد فارغ‌التحصیل رشته مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه غیرانتفاعی طلوع مهر قم، قم، ایران

\*نویسنده مسئول مقاله Email: m.morshedian@tolouemehr.ac.ir

پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۸۰

اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲

دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۸۲

### چکیده

مک‌کریمون عبارات محاوره‌ای را به صورت عباراتی نوشتاری یا گفتاری توصیف می‌کند که برای صحبت مستقیم و ایجاد احساس صمیمیت با مخاطب استفاده می‌شود. علاوه بر این، بیان می‌کند که برخی ملاحظات کلی بر ترجمه همه عناصر فرهنگی، از جمله اصطلاحات محاوره‌ای حاکم است. او پیشنهاد می‌کند که باید اشارات فرهنگی متن زبان مبدأ را به رسمیت شناخت و به آن‌ها احترام گذاشت. البته هنگام بحث در مورد ترجمه عناصر فرهنگی، نیومارک از طرفی به این موضوع اشاره می‌کند که زبان محاوره‌ای کمتر از زبان معمولی به بافت محدود می‌شوند و از طرف دیگر بر اهمیت درک بافت فرهنگی و اصطلاحی عبارات محاوره‌ای برای ترجمه کارآمد آن‌ها تأکید می‌کند. در چنین مواردی، مترجمان باید از این همپوشانیها آگاه باشند و از استراتژی‌های مناسب برای ترجمه درست آن‌ها استفاده کنند. این تحقیق بر پایه استراتژی‌های نیومارک (۱۹۸۸)، دو ترجمه از عبارات محاوره‌ای جلد اول کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» (کینی، ۲۰۰۷) را بررسی کرده است. براساس مدل مک‌کریمون (۱۹۶۳)، ۱۰۰ عبارت محاوره‌ای در متن اصلی و ترجمه شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) تشخیص داده و به طور تصادفی انتخاب شد. سپس سعی شد مشخص شود ترجمه هر مترجم از عبارات محاوره‌ای منطبق با کدام یک از استراتژی‌های نیومارک (۱۹۸۸) است و با چه فراوانی. پرکاربردترین استراتژی در ترجمه بافنده، معادل فرهنگی (۲۶٪) و در ترجمه شادنظر استراتژی ترکیبی (۲۴٪) بود. دیگر تمایل دو مترجم عبارت است از گرده برداری (۱۶٪ بافنده و ۲۲٪ شادنظر) و راهبرد ترکیبی (۱۵٪ بافنده). علاوه بر این، بافنده صرفاً یک بار استراتژی بسط و شادنظر نیز صرفاً یک بار استراتژی فشرده سازی را به کار برده بود. همچنین هر دو مترجم از استراتژی‌های انتقال ترجمه، طبیعی سازی، یادداشت و برجسته سازی استفاده نکرده اند. از آنجاکه از این دو ترجمه در ایران استقبال شده است، شاید بتوان گفت که استراتژی‌های ترکیبی، گرده برداری و معادل فرهنگی برای ترجمه عبارات محاوره‌ای رمان‌ها، بخصوص در برگردان انگلیسی به فارسی، مناسب هستند.

واژگان کلیدی: کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه»، استراتژی ترجمه، عبارات محاوره‌ای، نیومارک، مک‌کریمون

## ۱ مقدمه

از یک سو، در ایران همواره مخاطبان بسیاری به آثار داستانی علاقه و توجه داشته‌اند. از این رو، این علاقه که بر مترجمان خوش ذوق ایرانی پوشیده نبوده و این زمینه را به وجود آورده تا از آثار داستانی ترجمه‌های متعددی انجام شود. از سوی دیگر، در زبان انگلیسی مانند زبان‌های دیگر همیشه به زبان رسمی و کتابی صحبت نمی‌شود و اکثر رمان‌های انگلیسی زبان مملو از عبارات محاوره‌ای هستند. نیومارک (۱۹۸۸: ۱۴) مقیاسی برای رسمیت سبک پیشنهاد می‌کند که از رسمی، خنثی غیررسمی، محاوره‌ای، عامیانه تا تابو متغییر است. براساس این مقیاس، زبان محاوره بین زبان غیررسمی و عامیانه قرار دارد و مشخصه یا مناسب مکالمه معمولی یا آشنا است، آن هم به جای گفتار یا نوشتار رسمی. مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۶۹) نیز عبارات محاوره‌ای را به صورت عباراتی نوشتاری یا گفتاری توصیف می‌کند که برای صحبت مستقیم و ایجاد احساس صمیمیت با مخاطب استفاده می‌شود. البته بسیاری از عبارات محاوره‌ای از واژگان استاندارد گرفته شده‌اند ولی معنای جدیدی دارند. واژه «محاوره‌ای» به عنوان ویژگی مکالمه معمولی یا آشنا به جای گفتار یا نوشتار رسمی نیز تعریف شده است (دیکشنری برخط آکسفورد، ۲۰۲۴).

نکته دیگر این است که تفاوت‌های زبانی و فرهنگی بسیاری بین انگلیسی و فارسی وجود دارد و همیشه برای ترجمه عبارات محاوره‌ای بین این دو زبان باید دقت فراوانی داشت، نیومارک (۱۹۸۸: ۴۱) نیز به این نکته توجه داشته و ترجمه عبارات محاوره‌ای را زیرمجموعه ترجمه اصطلاحی می‌داند. به بیان دیگر، عبارات محاوره‌ای نیز می‌توانند اصطلاح باشند، به این معنی که معانی آن‌ها مستقیماً از تک‌تک کلمات قابل استنتاج نیست. به عنوان مثال، عباراتی مانند "kick the bucket" (به معنی مردن) یا "spill the beans" (به معنای فاش کردن یک راز) عباراتی اصطلاحی و عامیانه هستند. در واقع، اصطلاحات خاص هر فرهنگ هستند و عبارات محاوره‌ای نیز معمولاً ماهیت غیررسمی و محاوره‌ای دارند و هر دو گروه چالش‌هایی را برای مترجمان ایجاد می‌کنند، زیرا برای انتقال دقیق معنای موردنظر به زبان مقصد، به درک بافت فرهنگی نیاز دارند. از سوی دیگر، به نظر نیومارک (۱۹۸۸: ۴۶) عبارات محاوره‌ای را بسته به کاربرد و بافت می‌توان بخشی از عناصر فرهنگی در نظر گرفت زیرا عبارات محاوره‌ای اغلب ظرایف فرهنگی و اجتماعی یک جامعه زبانی خاص را منعکس می‌کنند. آن‌ها ریشه در فرهنگ دارند و به نوعی عناصر فرهنگی هستند. در واقع، عبارات محاوره‌ای در یک فرهنگ خاص، اهمیت یا معنای خاصی دارند و اغلب بیانگر گفتار غیررسمی مورد استفاده در آن هستند.

علاوه بر این، نیومارک (۱۹۸۸: ۹۶) بیان می‌کند که برخی ملاحظات کلی بر ترجمه همه عناصر فرهنگی، از جمله اصطلاحات محاوره‌ای حاکم است. او پیشنهاد می‌کند که باید اشارات فرهنگی متن زبان مبدأ را به رسمیت شناخت و به آن‌ها احترام گذاشت. البته هنگام بحث در مورد ترجمه عناصر فرهنگی، نیومارک (۱۹۸۸: ۹۶) از طرفی به این موضوع اشاره می‌کند که زبان محاوره‌ای کمتر از زبان

معمولی به بافت محدود می‌شوند و از طرف دیگر بر اهمیت درک بافت فرهنگی و اصطلاحی عبارات محاوره‌ای برای ترجمه کارآمد آن‌ها تأکید می‌کند. در مجموع، به نظر وی اگرچه عبارات محاوره‌ای، عناصر فرهنگی و اصطلاحات در زبان اهداف متفاوتی دارند، اما مواردی وجود دارد که آن‌ها باهم تلاقی می‌کنند. در چنین مواردی، مترجمان باید از این همپوشانیها آگاه باشند و از استراتژی‌های مناسب برای ترجمه درست آن‌ها استفاده کنند. دیگر اینکه وی، جایگاه واحدهای واژگانی مرکب را بین سبک «غیررسمی» و «محاوره‌ای» می‌داند (نیومارک، ۱۹۸۸: ۱۴۱). این تعریف گسترده می‌تواند انواع مختلفی از کلمات و عبارات جدید، از جمله اصطلاحات محاوره‌ای را دربرگیرد، زیرا آن‌ها اغلب کاربردهای جدید یا درحال تکامل زبان را نشان می‌دهند. او چهارمین نوع متن (ادبی یا غیرادبی) را نیز گفتگو با تأکید بر محاوره‌ها می‌داند. در راستای نظرات متقن نیومارک (۱۹۸۸: ۱۴۱)، دیویس (۲۰۰۳: ۶۵) نیز در پژوهش خود بر روی ترجمه‌های هری پاتر، عبارات محاوره‌ای به ویژه اصطلاحات را ریشه‌دار در فرهنگ‌ها و ساختارهای زبانی زبان مبدأ می‌داند. از این رو، در سرتاسر تحقیق، عبارات محاوره‌ای زیرمجموعه عناصر فرهنگی قلمداد شده است. با این تعاریف از زبان محاوره، مشخص است که ترجمه آن‌هم دقت خاص خود را می‌طلبد. در میان استراتژی‌های پیشنهادی ترجمه برای عبارات محاوره‌ای، می‌توان به ۱۷ استراتژی ترجمه نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱) اشاره کرد که شامل موارد زیر است: انتقال، طبیعی‌سازی، معادل کارکردی و توصیفی، مترادف، گرده‌برداری (تحت‌اللفظی)، دگرگشت یا تغییر مقوله دستوری، تغییر شیوه بیان، معادل جاف‌ناده در میان مردم، جبران، دگرگشت، یادداشت، تحلیل مؤلفه‌ای، معادل فرهنگی، برجسته‌سازی، بسط و فشرده‌سازی، حذف و راهبرد ترکیبی.

دسته‌بندی‌های مختلفی برای عبارات محاوره‌ای مطرح شده است از جمله مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳) که برای آنها پنج ویژگی بیان کرده است: ۱. کلمات نسبتاً کوتاه و ساده که معمولاً به لحاظ دستوری کامل نیستند و ابزار بلاغی کمی دارند. به عنوان مثال، کلمه *maybe today* یا *between fishermen*، ۲. استفاده سخاوتمندانه از اختصارات (*I'll, we've, didn't, can't*) و صورت‌های کوتاه‌شده (*cab, exam, phone*) و حذف ضمائر نسبی (*who, which, that*) که در سبک رسمی حفظ می‌شود، ۳. واژگانی که با اجتناب کلی از کلمات آموخته شده و با گنجاندن برخی اصطلاحات عامیانه استفاده می‌شوند، مثل کلمات *shady, same here, brass*، ۴. ساختارهای دستوری کوتاه‌شده که بیشتر استعاری هستند و گاهی به تمایزهای دستور ساخت‌گرا بی‌توجه‌اند؛ به عنوان مثال: (*"I'm gonna grab a bite to eat."*)، ۵. لحن آشنا و لحن دوستانه و گرم یا خودمانی که نویسنده به وسیله آن سعی دارد بر خواننده تأثیر بگذارد، مثل عبارت *what is up darling?* عبارات محاوره‌ای بیشتر در ادبیات داستانی به کار می‌روند و در این زمینه در گذشته تحقیقاتی دیگر نیز وجود دارد (جلال‌پور و حیدری تیریزی، ۲۰۱۷: ۱۰۱۱؛ ظفرقندی و فلاحت‌دوست، ۲۰۱۳: ۲۲۳). اما با توجه به توضیحات فوق‌الذکر در مورد تعریف مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۳۷) از عبارات محاوره‌ای و استراتژی‌های نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱) برای ترجمه آن‌ها، بجاست از این منظر هم به ترجمه آن‌ها پرداخته شود. فلذا، در پژوهش حاضر ترجمه عبارات محاوره‌ای جلد اول کتاب ۱۷ جلدی «خاطرات

یک بی‌عرضه» (کینی، ۲۰۰۷) بررسی شده است. این کتاب، یک رمان طنز در قالب ادبیات داستانی است و عبارات محاوره‌ای فراوانی دارد. برای نیل به این هدف، براساس پنج ویژگی عبارات محاوره‌ای مدل مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳)، عبارات محاوره‌ای را انتخاب و استراتژی‌های ترجمه نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱) که احتمالاً شادانظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، به‌کاربرده‌اند و نیز فراوانی آنها بررسی و مقایسه شدند. دلیل انتخاب این دو مترجم این است که هر دو به برگردان موفق طنز و عبارات محاوره‌ای معروف هستند. به‌اختصار، این تحقیق قصد دارد به دو پرسش ذیل پاسخ دهد:

۱. مترجمان جلد اول کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» اثر کینی (۲۰۰۷)، کدام یک از استراتژی‌های ترجمه نیومارک (۱۹۸۸: ۹۰-۸۱) را در ترجمه عبارات محاوره‌ای به‌کاربرده‌اند؟
۲. فراوانی استفاده از استراتژی‌های نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱) در ترجمه‌های بافنده و شادانظر به چه میزان است؟

#### ۱-۱ پیشینه پژوهش

ازجمله پژوهش‌های انجام‌شده و مرتبط، می‌توان به تحقیق مهدوی‌ثابت (۱۴۰۱: i) اشاره کرد. وی دسته‌بندی پارتیج (۱۹۹۰: ۲۶۲) و استراتژی‌های ترجمه گاتلیب (۱۹۹۲: ۱۶۶-۱۷۱) را در بررسی‌های خود درباره زیرنویس فارسی انیمیشن عصر یخبندان استفاده کرد. از ده استراتژی پیشنهادی گاتلیب (۱۹۹۲: ۱۶۶-۱۷۱)، چهار مورد به‌کاررفته بود؛ بسط، بازنویسی، حذف و انتقال. همچنین حذف و انتقال پرکاربردترین استراتژی‌ها بودند. براساس مدل مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳) و استراتژی‌های ترجمه نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱) نیز تحقیقاتی انجام‌شده است. برای مثال، برزگر (۲۰۰۸: ۱) تلاش کرد تا استراتژی‌های مورد استفاده در زیرنویس فارسی عبارات محاوره‌ای فیلم‌های انگلیسی بررسی کند. وی عبارات محاوره‌ای براساس ویژگی‌های مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳) و هلمز (۱۹۹۲: ۲۵۶) طبقه‌بندی کرد. داده‌ها از دو فیلم کم‌دی آمریکایی به نام‌های *Midnight Run* و *Liar Liar* جمع‌آوری و مشخص‌شده بیشترین استراتژی مورد استفاده، ترجمه محاوره‌ای و انتقال بوده است.

هدف از پژوهش جلال‌پور و حیدری‌تبریزی (۲۰۱۷: ۱۰۱۱) نیز بررسی ترجمه عبارات محاوره‌ای و عامیانه از فارسی به انگلیسی در دو اثر جمال‌زاده بود. در این پژوهش، ابتدا عبارات محاوره‌ای با ویژگی مدل‌های مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳) و هلمز (۱۹۹۲: ۲۵۶) مورد بررسی قرار گرفتند و بعد با استفاده از چارچوب نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱)، نوع و استراتژی‌های اعمال‌شده توسط مترجمان و همچنین حفظ سطح محاوره‌ای متون توسط مترجم مشخص شد و بررسی‌ها نشان داد که مترجمان از ۶ استراتژی بیشترین استفاده را کردند: ۵۱٪ مترادف، ۲۶٪ نقل قول، ۸٪ تحت‌اللفظی، ۲٪ معادل توصیفی، ۲٪ راهبرد ترکیبی، ۱٪ دگرگشت، ۵٪ حذف، و ۳٪ ترجمه اشتباه.

در تحقیق صالح‌آبادی (۱۴۰۱: iv)، محقق به بررسی عبارات محاوره‌ای و استراتژی‌های ترجمه در زیرنویس انیمیشن *شک و عصر یخبندان* پرداخته و از دسته‌بندی‌های مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳) برای عبارات محاوره‌ای و استراتژی‌های زیرنویس گاتلیب (۱۹۹۲: ۱۶۶-۱۷۱) استفاده کرد. نتایج این

پژوهش نشان داد که چهار استراتژی بسط، بازنویسی، انتقال و حذف برای ترجمه عبارات محاوره‌ای، پرکاربردترین استراتژی‌ها بودند.

صادق‌پور (۱۳۹۲:iv) نیز به بررسی راهکارهای ترجمه انگلیسی به فارسی در دوبله انیمیشن‌های پنج‌گانه کم‌دی آمریکایی پرداخت. یافته‌ها نشان داد که مترجمان فارسی به جای ترجمه تحت‌اللفظی، تمایل به استفاده از عبارات آشنا داشتند و مترجمان از عبارات اصطلاحی و محاوره‌ای برای ایجاد خنده استفاده کردند. به عبارتی، مترجمان مکرر و آزادانه از عبارات اصطلاحی و محاوره‌ای برای خندانند مخاطب استفاده کرده‌اند.

باتوجه به پیشینه تحقیقاتی فوق و اینکه هنگام ترجمه عبارات محاوره‌ای، مترجم همیشه با چالش عدم‌ایجاد اثر مشابه بر روی مخاطبان هدف روبه‌رواست (دی‌کینز و دیگران، ۲۰۰۲:29)، اهمیت و نوآوری این تحقیق در این است که بدانیم برای ترجمه عبارات محاوره‌ای در ادبیات داستانی از جمله جلد اول کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» براساس تعریف مک‌کریمون (۱۹۶۳:۱۷۳)، کدام یک از استراتژی‌های نیومارک (۱۹۸۸:91-۸۱) کاربرد بیشتری دارد. و لذا از آنجا که تاکنون در هیچ تحقیقی، از این منظر انجام نشده است، در این تحقیق به این مهم پرداخته شد.

#### ۱-۲ روش تحقیق

این پژوهش به روش تحلیلی-توصیفی و مقایسه‌ای-کیفی انجام‌گرفته‌است و ترجمه عبارات محاوره‌ای جلد اول کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» (۲۰۰۷) و دو ترجمه فارسی از شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) آن بررسی شده‌اند. به عبارت دیگر، روش تحقیق، بینامتنی، کتابخانه‌ای است و با مشاهده، یادداشت‌برداری و تحلیل محتوای متن انگلیسی و دو ترجمه آن انجام‌شده‌است. اگرچه طبقه‌بندی‌های گوناگونی برای عبارات محاوره‌ای وجود دارد و می‌توان در این تحقیق هم از آن‌ها استفاده کرد اما از آنجایی که مدل مک‌کریمون (۱۹۶۳:۱۷۳) کامل‌تر و جامع‌تر بود، برای تعیین عبارات محاوره‌ای انتخاب‌شد. به بیان دیگر، ابتدا ۱۰۰ عبارت محاوره‌ای در نسخه انگلیسی کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» (۲۰۰۷) براساس پنج ویژگی مک‌کریمون (۱۹۶۳:۱۷۳) برای عبارات محاوره‌ای، شناسایی شدند. در این راستا، از برخی از لغت‌نامه‌های انگلیسی از جمله دیکشنری‌های آنلاین آکسفورد (۲۰۲۴) و لغت‌نامه انگلیسی معاصر لانگمن (۲۰۲۴) نیز به‌عنوان منابع ثانویه استفاده شد. به عبارتی، همه داده‌های گردآوری‌شده در لغت‌نامه‌ها بررسی شد تا از محاوره‌ای بودنشان اطمینان حاصل شود. لازم به‌ذکر است که منظور از عبارات محاوره‌ای، هر واژه، اصطلاح، جمله‌واره، بند، یا جمله انگلیسی محاوره‌ای است. روش نمونه‌گیری تصادفی ساده نیز انتخاب‌شد چراکه در آن ارزش و احتمال گزینش عبارات محاوره‌ای یکسان است. براساس ویژگی‌های مدل مک‌کریمون (۱۹۶۳:۱۷۳)، چنانچه نمونه انتخاب‌شده شامل جملات ناقص گرامری بود در گروه اول مدل وی قرارگرفتند و هنگامی که اختصار بود در گروه دوم، واژگانی با اجتناب از کلمات آموخته‌شده در گروه سوم و اگر ساختارهای اصطلاحی داشت، در گروه چهارم و همچنین درنهایت اگر لحن آشنا بود، در گروه پنجم قرارگرفتند. سپس ترجمه این نمونه‌های انتخاب‌شده از شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) بررسی و مقایسه‌شدند تا

مشخص شود هر یک از مترجمان احتمالاً از کدام استراتژی نیومارک (۹۱-۱۹۸۸) برای ترجمه این عبارات استفاده کرده‌اند و فراوانی استفاده آنها از این ۱۷ استراتژی‌ها چیست. این استراتژی‌ها عبارتند از انتقال، طبیعی‌سازی، معادل کارکردی و توصیفی، مترادف، گرت‌برداری (تحت‌اللفظی)، دگرگشت، تغییر شیوه بیان، ترجمه جافتاده، تحلیل مؤلفه‌ای، جبران، دگرگشت، یادداشت، معادل فرهنگی، برجسته‌سازی، بسط و فشرده‌سازی، حذف و راهبرد ترکیبی.

### ۳-۱ شیوه پژوهش

همان‌گونه که ذکر شد، پرسش اول تحقیق این بود که در دو ترجمه‌ی از عبارات محاوره‌ای جلد اول کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» (کینی، ۲۰۰۷)، مترجمان از کدام یک از استراتژی‌های ترجمه نیومارک (۹۱-۱۹۸۸) استفاده کرده‌اند. بدین منظور، نمونه‌های عبارات محاوره‌ای را بررسی و استراتژی‌های مورداستفاده در این نمونه‌ها توسط دو مترجم مشخص شد. مثالهایی از تحلیل استراتژی‌های مورداستفاده بافنده (۱۳۹۰) و سپس شادنظر (۱۴۰۰) در ذیل خواهد آمد. لازم به ذکر است که در دو متن انگلیسی و فارسی، عبارات محاوره‌ای با قلم ایتالیک و با خط زیر آنها مشخص شده‌اند، و تحلیل پژوهشگران این است که در این ۱۰۰ مورد عبارات محاوره‌ای انتخابی، مترجمان از استراتژیهای انتقال و طبیعی‌سازی، برجسته‌سازی، و یادداشت استفاده نکرده‌اند، فلذا مثالی از آنها دیده نمی‌شود.

### 2 استراتژی‌های معادل کارکردی و معادل توصیفی

روش معادل کارکردی مستلزم استفاده از واژه‌های عاری از فرهنگ است و گاهی اوقات با یک اصطلاح خاص جدید این کار انجام می‌شود (نیومارک، ۱۹۸۸: ۸۳). مثالهای زیر معادل کارکردی بافنده و شادنظر است:

A little while later, Rowley told me he neede a *potty break*. (p.68)

بافنده: یه کم بعد، راولی بهم گفت که «دستشویی داره»

براساس ویژگی واژگانی باپرهیز از کلمات آموخته شده (مک‌کریمون، ۱۷۳: ۱۹۶۳) این عبارت محاوره‌ای، طنزگونه و غیررسمی هستند و زمانی استفاده می‌شوند که از کاری دست می‌کشید، به ویژه هنگام رانندگی با ماشین تا بتوانید از توالت استفاده کنید. زمانی که گرگ و راولی (دو شخصیت اصلی داستان) شب هالووین در خانه‌ها را می‌زنند، بین راه راولی می‌گوید دستشویی دارد و گرگ در پاسخ می‌گوید وقتی به خانه مامان بزرگ رسیدند، به او اجازه می‌دهد به دستشویی برود و یک دقیقه‌ای بیرون بیاید.

.You walk into the classroom and just *plunk* your stuff *down* on any old disk and the next thing you know the teacher is saying... (p.4)

شادنظر: معمولاً وارد کلاس می‌شوی وسایلت را روی میز و صندلی کهنه می‌گذاری و بعد معلم می‌گوید...

براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای و یک اصطلاح است به معنی رها کردن یا انداختن چیزی با سروصدا یا محکم. در این عبارت، گرگ نصیحت می‌کند که روز اول مدرسه باید چطور رفتار کرد و کجا نشست و معلم می‌گوید تا آخر سال باید همان‌جا همیشه بنشینند. شادنظر رنگ و بوی فرهنگی عبارت را زدوده‌است. در مقابل، روش توصیفی کارکرد را نادیده گرفته و تمایل به توضیح دارد (نیومارک، ۱۹۸۸:۸۳). مثالهای زیر معادل توصیفی بافنده و شادنظر است:

*I let my hopes get too high.* (p.131)

**بافنده:** توقع مویزیادی بالا بردم.

براساس ویژگی لحن آشنا (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای است و به معنی مطمئن شدن از پیشرفت یا موفقیت است. در داستان، گرگ توقع داشت که هدیه کریسمس به انتخاب پدر و مادر راولی باشد و او صاحب یک هدیه خوب شود، ولی متأسفانه راولی هدیه را انتخاب کرده بود.

*I tried to cheer him up.* (p.140)

**شادنظر:** سعی کردم حالشو جاببارم.

براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته‌شده (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای است و به معنی باعث ایجاد احساس شادی در کسی و سرحال آوردن او. در اینجا، راولی از روی سه‌چرخه به زمین می‌افتد و گرگ سعی می‌کند که او را بخنداند تا از آن حال و هوا بیرون بیاید. شادنظر سعی کرده عبارت فعلی موجود را توضیح دهد.

## ۲-۱ استراتژی مترادف

نیومارک (۱۹۸۸: 84) معتقد است که واژه « مترادف » به معنای معادل نزدیک در زبان مقصد برای واژه‌ای در زبان مبدأ است و جایی استفاده می‌شود که معادل دقیق وجود ندارد و واژه نیز اهمیت زیادی در متن ندارد.

*And get this, He actually got a PROMOSION.* (p.187)

**بافنده:** اینو گوش کن: اونا ترفیع هم بهش دادن.

براساس ویژگی لحن آشنا (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای است. دو معنی *get=to be told/understand* است. پس اینو گوش کن. مترادف عبارت محاوره‌ای در ترجمه بافنده است. این عبارت برای جلب توجه به چیزی شگفت‌انگیز یا جالب استفاده می‌شود. در داستان، گرگ پیش آقای وینسکی به اشتباه خود اعتراف کرد و گفت که راولی اشتباه نکرده‌است.

*If you mess up and Mom catches you, the first thing she does is to take a few days to figure out what your punishment should be.* (p.39)

**شادنظر:** اگر در دسر درست کنی و مامان مچت را بگیرد، اولین کاری که می‌کند تا چند روز به این فکر می‌کند که بهتر است چه تنبیهی برایت در نظر بگیرد.

براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته شده (مک کریمون، ۱۹۶۳: ۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای، غیررسمی و عامیانه است و زمانی که کسی در درس ایجاد می‌کند و یا چیزی را خراب می‌کند، استفاده می‌شود. در داستان، گرگ می‌گوید: مادرم برای مجازات یک سبک متفاوت دارد و چند روزی فکر می‌کند. شادنظر مترادفی را برای mess up آورده است و نه معنای اصلی آن را.

## ۲-۲ استراتژی گره برداری (ترجمه تحت اللفظی)

در گره برداری (ترجمه تحت اللفظی)، تک تک عناصر یک کلمه از زبان مبدأ به زبان مقصد ترجمه می‌شود و در واقع قرض‌گیری مفهوم است؛ اجزای سازنده آن در زبان مقصد موجود است ولی الگوی ترکیب از زبان مبدأ گرفته می‌شود (نیومارک، ۱۹۸۸: ۸۴).

*Wanna see my secret freckle?* (p.28)

بافته: می‌خواهی خال مخفی من رو ببینی؟

از نظر مک کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳) *wanna* یک عبارت مخفف شده و محاوره‌ای است. در این قسمت، فرگلی که یک پسر عجیب و غریب است، دوست دارد خال مخفی اش به گرگ نشان دهد.

Another Great *perk* is that you get to show up ten minutes late for first period.

(p. 154)

شادنظر: یکی دیگر از مزایای پلیس شدن این است که می‌توانی در اولین کلاس صبح، با ده دقیقه تاخیر حاضر شوی.

براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته شده (مک کریمون، ۱۹۶۳: ۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است. کلمه غیررسمی *perk* به معنی مزایایی است که به طور قانونی علاوه بر دستمزد از کار دریافت می‌شود، مانند کالا، غذا یا ماشین. در اینجا هم گرگ و راولی هم به خاطر اینکه پلیس مدرسه شده بودند، علاوه بر اینکه شکلات داغ مجانی می‌گرفتند، می‌توانستند ده دقیقه دیرتر سر کلاس حاضر شوند.

## ۲-۳ استراتژی دگرگشت یا تغییر مقوله دستوری

تفاوت‌های ساختاری بین زبان مبدأ و مقصد را ترجمه دگرگشت می‌خوانند؛ و به معنای تغییر مقوله دستوری عناصر متن مبدأ در متن مقصد است (نیومارک، ۱۹۸۸: ۸۶).

But luckily, the people who make these things make them *parent- proof*.

(p.25)

بافته: ولی خوشبختانه آدمایی که این جور چیزا رو می‌سازن، اونا رو ضد والدین درست می‌کنن. براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته شده (مک کریمون، ۱۹۶۳: ۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و زمانی به کار می‌رود که یک مساله نمی‌تواند به کسی آسیب برساند. در اینجا گرگ می‌گوید اگر پدرم راه خراب کردن دستگاه ویدیویی را بلد بود، حتماً این کار را می‌کرد ولی این دستگاه را ضد والدین می‌سازند که آن‌ها نتوانند کاری کنند. *Proof* در انگلیسی اسم است اما بافته آن را به

«ضد» که در فارسی صفت است تبدیل کرده و *Parent* را به صورت جمع برگردانده است.

I told him I wanted the Barbie Dream House, and he said he'd *hook me up*.  
(p.117)

شادنظر: به او گفتم که خانه‌ی عروسکی می‌خواهم و او رویم را زمین نینداخت.  
براساس ویژگی جملات ناقص گرامری (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و به معنی فراهم کردن چیزی برای کسی است. در روز کریسمس، گرگ از عمو چارلی برای هدیه این روز درخواستی داشت که برآورده شد. شادنظر در ترجمه *hook me up* عبارت مثبت را منفی ترجمه کرده است.

#### ۲-۴ استراتژی تغییرشیوه بیان

این استراتژی بازتولید معنای متن مبدأ با رعایت هنجارهای فعلی زبان مقصد و از منظری دیگر است (نیومارک، ۱۹۸۸:۸۸).

But parents *eat that stuff up*. (p.122)

بافته: اما اونا به هر حال با این قضیه کنار می‌یان.  
این عبارت یک اصطلاح است و به معنی پذیرش کامل و بدون سؤال چیزی است. بنابراین، براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳) محاوره‌ای است. در این قسمت، گرگ برای پدر و مادر هدیه کریسمس گرفته است.

So two minutes later, He was *bouncing off the walls*. (p.193)

شادنظر: دو دقیقه بعد، پاستیل‌ها را روی دیوار بالا آورد.  
براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای و یک اصطلاح است به معنی بیش از حد هیجان زده شدن و از هیجان بالا پایین پریدن. در داستان، فرگلی تمام شیرین‌عسل‌های گرگ را خورده بود و چون نباید هیچ نوع قندی بخورد، بدنش واکنش نشان داده بود؛ بنابراین، شادنظر با استفاده از استراتژی تغییرشیوه بیان، البته به اشتباه ترجمه کرده است.

#### ۲-۵ استراتژی معادل جافتاده درمیان مردم

مردم چنین معادلی را در حکم معادل مناسب پذیرفته‌اند و عدم تطابقی غیر مستقیم با ترجمه رسمی از آن محسوب می‌شود (نیومارک، ۱۹۸۸:۸۹).

And you remember Rowley's *Big wheel* accident? (p.141)

بافته: تصادف سه‌چرخه‌ی راولی را یادت می‌آد؟  
براساس ویژگی لحن آشنا (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است. گرگ در این جمله می‌گوید که در حادثه تصادف سه‌چرخه، دست راولی شکسته است.

Right in the middle of our game, Mrs. Craig came around the corner and *caught us red-handed*. (p.34)

شادنظر: وسط بازی، خانم گریک آمد و در حین ارتکاب جرم، مچمان را گرفت. براساس ویژگی سخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای است و مترجم این اصطلاح انگلیسی را نزدیک به زبان فارسی ترجمه کرده و به گوش خواننده آشنا است.

## ۲-۶ استراتژی تحلیل مؤلفه‌ای

این راهبرد، مقایسه یک کلمه متن مبدأ با یک کلمه مقصد است که معنای مشابهی دارد اما این تعادل یک‌به‌یک و واضح نیست. در وهله دوم این راهبرد، تقسیم یک واحد واژگانی به اجزای حسی آن است که اغلب یک به دو، سه یا چهار واحد ترجمه شده است (نیومارک، ۱۹۸۸:۹۰).

I think they do that to make all the out of shape kids feel ashamed of themselves. (p.86)

بافته: فکر می‌کنم اونا این کارو می‌کنن تا تموم کسایی که هیکلشون بدقواره است از خودشون خجالت بکشن.

براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای و یک اصطلاح است و زمانی استفاده می‌شود که کسی از نظر جسمی به اندازه کافی ورزیده نیست زیرا در فعالیت‌های بدنی شرکت نکرده است. در داستان، در مدرسه، مسابقه فوتبال برگزار و بچه‌ها را به دو گروه تقسیم می‌شوند و گرگ به خاطر جثه ریزش همیشه در گروه لخت‌ها (نام یکی از گروه‌های کلاس) قرار می‌گیرد. بافنده عبارت زبان مبدأ را به یک عبارت آشنا در زبان مقصد تبدیل کرده و با تحلیل اجزای *out + of + shape*، معادل «بد+ قواره» را برای آن آورده است.

I think they do that to make all the out of shape kids feel ashamed of themselves. (p.86)

شادنظر: فکرکنم به این دلیل گروه‌بندی می‌کنند که بچه‌های بدهیکل از خودشان شرم‌منده شوند. شادنظر نیز از استراتژی تحلیل مؤلفه‌ای استفاده کرده است و با تحلیل اجزای *out + of + shape*، معادل «بد+ هیکل» را برای آن آورده است.

## ۲-۷ استراتژی جبران

این راهبرد زمانی محقق می‌شود که مترجم مجبور به حذف معنی، واج‌آرایی و یا استعاره از یک قسمت یا جمله می‌شود، و در عوض سعی می‌کند در یک قسمت یا جمله دیگر یا جمله‌ای پیوسته آن را جبران کند (نیومارک، ۱۹۸۸:۹۰).

I kind of decided to throw in the towel for this Christmas, and I headed up to Rowley's house. (p.129)

بافته: بالاخره تصمیم گرفتم به شکست خودم اعتراف کنم و راه‌افتادم طرف خونه راولی. براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته شده (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای است و زمانی استفاده می‌شود که برای انجام کاری دیگر تلاش نمی‌کنید زیرا می‌دانید که

نمی‌توانید موفق شوید. در این داستان، گرگ دیگر از کادوگرفتن بازی در روز کریسمس ناامید می‌شود. بافنده دراصل از استراتژی‌های معادل جاافتاده استفاده کرده اما این معادل به‌خوبی حذف this Christmas را جبران کرده‌است.

All I need is for some jerk to catch me carrying this book around and get the wrong idea. (p.1)

شادنظر: فقط کافی است چند احمق دوروبرم پیداکنم که وقتی این دفترچه را دستم می‌بینند، اشتباهی فکرکنند دفترچه خاطرات است.

براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته‌شده (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای و عامیانه است و به‌معنی یک فرد احمق یا آزاردهنده یا ظالم، بی‌ادب و کوتاه‌فکر است. شادنظر به‌اشتباه دگرداشت داشته و این کلمه را جمع‌بسته درحالی‌که some نشان‌دهنده نکره است اما به‌رحال ترجمه اصطلاحی خوبی ارائه‌داده‌است و درواقع اشتباه خود را جبران کرده‌است.

## ۲-۸ استراتژی دگرگفت

این راهبرد، درواقع توضیح معنای بخشی از متن است (نیومارک، ۱۹۸۸:۹۰). برای مثال، مترجم در برگردان عنصر فرهنگی خاص زبان مبدأ که به‌صورت نشانه اختصاری است، شکل کامل زبان مقصد را می‌آورد (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶:۲۶۰)

I was pretty good at Home Ec 1. (p.145)

بافنده: چون توی اقتصاد منزل ۱ نمره‌ی عالی گرفته‌بودم.

I was pretty good at Home Ec 1. (p.145)

شادنظر: چون نمره‌ی درس اقتصاد خانگی یکم خوب‌شد.

به‌نظر مک‌کریمون (۱۷۳:۱۹۶۳)، کلمه کوتاه شده جزو عبارت محاوره‌ای است. در اینجا گرگ می‌خواست واحد اقتصادمنزل ۲ را بردارد چون ۱ آن را خیلی خوب گذرانده‌است. بافنده و شادنظر عبارت کوتاه‌شده را کامل ترجمه کرده‌اند.

## ۲-۹ استراتژی معادل فرهنگی

در این راهبرد، به‌جای عنصر فرهنگی زبان مبدأ از عنصر فرهنگی موجود در زبان مقصد استفاده می‌شود، البته امکان‌دارد تفاوت‌هایی بین این دو باشد؛ مثلاً چشم اسفندیار به‌جای پاشنه آشیل به‌کار می‌رود (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶:۲۵۷).

Teacher's pet. (p.178)

بافنده: پسره خود شیرین کن.

براساس ویژگی واژگانی پرهیز از کلمات آموخته‌شده (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای و غیررسمی است و به‌کودکی اشاره‌دارد که همه فکر می‌کنند شاگرد موردعلاقه معلم است و

به همین دلیل سایر دانش آموزان او را دوست ندارند.

I thought Mr. Winsky would make us do a bunch of chin-up or jumping jacks or something to prove we were up for the jib. (p.152)

شادنظر: فکر می‌کردم آقای وینسکی از ما می‌خواهد کاراته بازی کنیم، شق و رق را برویم یا کاری بکنیم که نشان دهد به درد پلیس شدن می‌خوریم.

براساس ویژگی لحن آشنا (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت محاوره‌ای است. Chin-up به معنای بارفیکس رفتن است. Jumping jacks نیز به معنای حرکات پروانه‌ای در ایروبیک است. در این عبارت گرگ فکر می‌کرد برای اینکه گشت ایمنی بشود باید برای آقای وینسکی حرکات ورزشی انجام دهد، ولی در واقع این طور نبوده است. شادنظر از استراتژی معادل فرهنگی استفاده کرده اما به معادل نادرست انجامیده است؛ اما به هر حال معادله‌ای ارائه شده با بافت همخوانی دارند و به نحوی این اشتباه را جبران کرده است.

## ۲-۱۰ استراتژی‌های بسط و فشرده‌سازی

در بسط، مترجم جزئیاتی را که در متن اصلی وجود ندارد به ترجمه‌اش می‌افزاید و واژه یا عبارت را تفصیل می‌دهد. در واقع، مترجم مجبور می‌شود خلأ اطلاعاتی در زبان مقصد را پر کند (نیومارک، ۱۹۸۸:۹۰).

Really? Gotcha. But do I have "low" intelligence. (p.20)

**یافته:** واقعا؟ میچت رو گرفتم؛ یعنی من هوش پایینی دارم؟

براساس ویژگی جملات ناقص گرامری (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳)، این عبارت، نوع محاوره‌ای I've got you است و وقتی استفاده می‌شود که کسی را می‌گیرید یا به نوعی فریض می‌دهید. در این جملات گرگ سربه‌سر راولی می‌گذارد و هر کاری را که برادرش با او کرده روی راولی امتحان می‌کند. A little while later, Rowley told me he needed a potty break. (p.68)

شادنظر: کمی که گذشت، رالی گفت که «باید برو دستشویی»

شادنظر اینجا در مقابل عبارت دوکلمه‌ای انگلیسی، معادلی سه‌کلمه‌ای آورده است. در فشرده‌سازی، آنگاه که اطلاعاتی به نظر مترجم غیرضروری، حشو و نالازم‌اند، آن‌ها را کوتاه‌تر می‌کند و معمولاً هدف از آن، جلوگیری از تکرار نابه‌جا در زبان مقصد و به منظور هرچه طبیعی‌تر کردن زبان ترجمه است (هاشمی‌میناباد، ۱۳۹۶:۲۵۲).

I'll admit maybe we stretched the truth a little in our advertisement, but we had to make sure people actually showed up. (p.55)

**یافته:** قبول دارم که توی تبلیغاتمون یه کمی پیاز داغشو زیاد کردم، ولی باید مطمئن می‌شدیم که مردم واقعا میان.

براساس ویژگی جملات ناقص دستوری (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است. عبارت *show up* به معنی «حضور یافتن» است. در اینجا گرگ و راولی که تبلیغات خانه ارواح خودشان را انجام می‌دهند، کمی زیاده‌روی می‌کنند تا مطمئن شوند مردم حتماً به خانه آن‌ها می‌آیند. مترجم ترجمه اصطلاحی را با استراتژی فشرده‌سازی ارائه می‌دهد و «میان» در مقابل *show up* آمده است.

*And get this: He actually got a PROMOSION.* (p. 187)

شادنظر: تازه ترفیع هم گرفته.

براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و دو معنی *to be told/understand* دارد و در مقابل سه واحد واژگانی زبان مبدا، برگردان زبان مقصد، یک واحد واژگانی است.

## ۲-۱۱ استراتژی حذف

در مواردی چاره‌ای جز حذف نیست، مثلاً به علت مسائل اخلاقی یا دینی، سانسور و موقعیت‌هایی که مفاهیمی با ذوقیات و فرهنگ زبان مقصد سازگار نیست، مترجم مجبور می‌شود بخشی از پیام را برنگرداند. در صورتی که معنای واژه‌ای در روال کلی متن چندان مهم نباشد و از طرف دیگر، ترجمه آن به دلیل نبودن معادل، در امر ارتباط اخلال ایجاد کند می‌توان آن را حذف کرد، به شرط آن که نقش مهمی در درک مطلب نداشته باشد (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶:۲۵۰).

*Dad actually won that argument.* (p.117)

بافته: کل جمله را حذف کرده است.

براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و به معنی متقاعد کردن کسی از طریق استدلال و برنده شدن در بحث با اوست. پدر گرگ، او را راضی کرده که فهرست هدیه‌های کریسمس را تغییر دهد. بافته به هرحال این جمله را ترجمه نکرده است.

*Most kids wake up early on Saturday to watch cartoons or whatever, but not me.* (p.16)

شادنظر: اکثر بچه‌ها روزهای جمعه زود بیدار می‌شوند تا کارتون تماشا کنند، اما من نه. براساس ویژگی لحن آشنا (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و زمانی استفاده می‌شود که شما معنی دقیق چیزی یا نام دقیق کسی یا چیزی را نمی‌دانید. در این عبارت گرگ می‌گوید که همه بچه‌ها در روزهای تعطیل به خاطر تماشای کارتون از خواب بیدار می‌شوند ولی او این‌طور نیست. شادنظر این عبارت را از جمله حذف کرده است.

## ۲-۱۲ استراتژی ترکیبی

گاهی مفهوم و منظور عنصر زبان مبدأ را با استفاده از تنها یک روش و راهبرد نمی‌توان انتقال داد یا

مترجم دو یا چند روش را هم‌زمان به کار می‌گیرد (هاشمی میناباد، ۱۳۹۶:۲۶۶).

And then Manny brought it into day care for show-and-tell. (p.41)

یافته: مانی هم اونو برده مهد کودک تا سرکلاس در باره‌ش حرف بزنه.

براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای و یک اصطلاح است و زمانی استفاده می‌شود که در کلاس‌های مقطع ابتدایی، بچه‌ها مطلب یا شیء جالبی برای نشان دادن به بقیه کلاس می‌آورند. اینجا هم مانی مجله رودریک را به مدرسه برده تا به دوستانش نشان دهد. یافته از استراتژی‌های تحلیل مؤلفه‌ای و معادل کارکردی استفاده کرده پس از راهبرد ترکیبی به کار برده است.

I'll take these kids home, but believe me, I didn't sign up for any diaper duty. (p.155)

شادنظر: همه‌ی بچه‌ها را بردم خانه، باورکن، برای عوض کردن پوشک بچه‌ها پلیس نشده‌بودم. براساس ویژگی ساخت‌های اصطلاحی (مک‌کریمون، ۱۹۶۳:۱۷۳)، این عبارت محاوره‌ای است و به معنی قول دادن به انجام کاری با امضای نام و پیوستن به کاری است. در این داستان، زمانی که گرگ گشت ایمنی شده بود و بچه‌ها را به خانه‌شان می‌رساند، یکی از بچه‌ها دستشویی کرده بود و گرگ می‌گوید وظیفه من عوض کردن پوشک نیست. شادنظر از استراتژی‌های تغییرشیوه بیان و معادل فرهنگی استفاده کرده و در این عبارت کلمه پلیس را آورده که وظایفی دارد تا منظور را به مخاطب فارسی‌زبان برساند و بنابراین راهبردش ترکیبی است.

پرسش دوم تحقیق در مورد فراوانی استفاده از استراتژی‌های نیومارک (۸۱-91۱۹۸۸) در هر ترجمه بود. در جدول ذیل دسته‌بندی‌های ویژگی عبارات محاوره‌ای مک‌کریمون (۱۹۶۳:۱۷۳) به همراه فراوانی و درصد ۱۰۰ عبارات محاوره‌ای از کتاب اصلی «خاطرات یک بی‌عرضه» آمده است.

جدول ۱. فراوانی و درصد ویژگی‌های زبان محاوره‌ای مک‌کریمون (۱۹۶۳:۱۷۳)

فراوانی	درصد	انواع ویژگی محاوره‌ای
۱۷	%۱۷	جملات ناقص دستوری
۹	%۹	اختصار
۲۱	%۲۱	واژگانی پرهیز از کلمات آموخته‌شده
۳۴	%۳۴	ساخت‌های اصطلاحی
۱۹	%۱۹	لحن آشنا
۱۰۰	۱۰۰	جمع

پس از جمع‌آوری داده‌ها، ارزیابی عملکرد این دو مترجم در استفاده از استراتژی ترجمه نیومارک (۸۱-91۱۹۸۸) هنگام مواجهه با عبارات محاوره‌ای انگلیسی در کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه»، تجزیه و تحلیل شد؛ و نتایج به دست آمده از این دو مترجم در جداول زیر آمده است.

جدول ۲. فراوانی و درصد استراتژی‌ها در ترجمه یافته

بررسی عبارات محاوره‌ای در دو ترجمه از کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» (۲۰۰۷) براساس استراتژی‌های ..

استراتژی ترجمه	فراوانی	درصد
انتقال ترجمه	۰	۰
طبیعی‌سازی	۰	۰
معادل کارکردی	۴	۴%
معادل توصیفی	۳	۳%
ترادف	۶	۶%
گرفته‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی)	۱۶	۱۶%
دگرگشت یا تغییر مقوله‌دستوری	۲	۲%
تغییر شیوه بیان	۸	۸%
معادل جافتاده در میان مردم	۴	۴%
تحلیل مؤلفه‌ای	۳	۳%
جبران	۳	۳%
دگرگفت	۲	۲%
یادداشت	۰	۰%
معادل فرهنگی	۲۶	۲۶%
برجسته‌سازی	۰	۰%
بسط	۱	۱%
فشرده‌سازی	۳	۳%
حذف	۴	۴%
ترکیبی	۱۵	۱۵%
مجموع	۱۰۰	۱۰۰%

جدول ۳. فراوانی و درصد استراتژی‌ها در ترجمه شادنظر

استراتژی	فراوانی	درصد
انتقال ترجمه	۰	۰%
طبیعی‌سازی	۰	۰%
معادل کارکردی	۴	۴%
معادل توصیفی	۵	۵%
ترادف	۴	۴%
گرفته‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی)	۲۲	۲۲%
دگرگشت یا تغییر مقوله‌دستوری	۳	۳%
تغییر شیوه بیان	۵	۵%
معادل جافتاده در میان مردم	۴	۴%
تحلیل مؤلفه‌ای	۲	۲%
جبران	۴	۴%

دگرگفت	۲	۲%
یادداشت	۰	۰%
معادل فرهنگی	۱۱	۱۱%
برجسته‌سازی	۰	۰%
بسط	۴	۴%
فشرده‌سازی	۱	۱%
حذف	۵	۵%
ترکیبی	۲۴	۲۴%
مجموع	۱۰۰	۱۰۰%

در کل، نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد بیشترین استراتژی مورد استفاده برای ترجمه این ۱۰۰ عبارات محاوره‌ای، استراتژی معادل فرهنگی در ترجمه‌های بافنده و استراتژی ترکیبی در ترجمه شادنظر است. علاوه بر این، بافنده صرفاً یک‌بار استراتژی بسط و نیز شادنظر صرفاً یک‌بار استراتژی فشرده‌سازی را به‌کار برده است. همچنین هیچ‌کدام از مترجمین از استراتژی‌های یادداشت، برجسته‌سازی، انتقال ترجمه و طبیعی‌سازی استفاده نکرده‌اند.

### نتیجه‌گیری

با بررسی‌های انجام‌شده مشخص شد که از بین ۱۷ استراتژی نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱) برای ترجمه عبارات محاوره‌ای، بافنده بیشتر از استراتژی معادل فرهنگی استفاده کرده است (۲۶٪). در مقابل، شادنظر بیشتر راهبرد ترکیبی (۲۴٪) را برای عبارات محاوره‌ای به‌کار بسته است. دیگر تمایل دو مترجم عبارت از گرده‌برداری (۱۶٪ بافنده و ۲۲٪ شادنظر) و راهبرد ترکیبی (۱۵٪ بافنده) است. به نظر نیومارک (۱۹۸۸: ۸۳)، معادل‌های فرهنگی تأثیر کاربردشناختی بیشتری نسبت به اصطلاحات خنثی دارند. از سوی دیگر، وی معتقد است که چنانچه مترجم باید تصمیم بگیرد که آیا یک کلمه ناآشنا و عنصر فرهنگی زبان مبدأ با مرجع مختص آن فرهنگ را به زبان مقصد منتقل کند یا نه، معمولاً آن را با کاربرد استراتژی دیگری تکمیل می‌کند و راهبرد ترکیبی به‌کار می‌برد که استراتژی رایجی برای ترجمه عناصر فرهنگی است و مترجمان باید استفاده از راهبرد ترکیبی را برای ترجمه اصطلاحات فرهنگی در نظر بگیرند (نیومارک، ۱۹۸۸: ۹۱).

از یک سو، گرده‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی) برای مخاطبان این امکان را فراهم می‌آورد که معنای مستقیم زبان مبدأ را درک کنند و مترجم می‌تواند بدون هیچ‌گونه تفسیر اضافی به متن اصلی وفادار باشد و معنی را نیز حفظ کند (اولویدین و آبرامووا، ۲۰۱۲: ۱۰۵). از سوی دیگر، نیومارک (۱۹۸۸: ۸۴) گرده‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی) را برای عناصری فرهنگی، متمرث‌مردمی داند که فرهنگ‌های مبدأ و مقصد به هم نزدیک باشند. البته وی در مورد همنشینها، نیز گرده‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی) را

بررسی عبارات محاوره‌ای در دو ترجمه از کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» (۲۰۰۷) براساس استراتژی‌های ..

مجازمی داند. به هر حال، شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) در مواردی از این استراتژی استفاده کرده‌اند از جمله در ترجمه اصطلاحات و همنشیه‌های زیر:

But as usual, Dad didn't see my logic. (p.24)

بافنده: ولی مس همیشه بابا منطقی منو نمی فهمید.

Rodrick told me the chainsaw has a rubber blade But I wasn't taking any chances. (p.52)

البته در مثال زیر، مترجم به اشتباه شانس را «فرصت» ترجمه کرده و «امتحان کردن» را خود اضافه کرده است.

شادنظر: رودریک گفته بود تیغی اهر برقی پلاستیکی است، اما من فرصت نکردم آن را امتحان

کنم.

We got out of there in a hurry and we went back to where the rest of the guys were. (p.81)

شادنظر: باعجله از آنجا خارج و به بقیه پسرها ملحق شدیم.

Fifteen more!! Come on. (p.91)

بافنده: هنوز پونزده تا مونده! زودباش.

شادنظر: باید پونزده بار دیگه دمبل بزنی! زودباش.

I knew that would make Dad take my side. (p.96)

بافنده: می‌دونستم با این حرفم بابا طرف منو میگیره.

شادنظر: می‌دانستم بابا طرف من را می‌گیرد.

استفاده اندک بافنده از استراتژی‌های بسط ۱٪، دگرگشت ۲٪، و دگرگشت ۲٪ و نیز کاربرد اندک استراتژی‌های فشرده‌سازی ۱٪، دگرگشت ۲٪ و تحلیل مؤلفه‌ای ۲٪ در ترجمه شادنظر نیز جالب توجه است. البته بافنده به صورت ترکیبی از بسط و دگرگشت استفاده کرده است. برای مثال، بافنده از عبارت اون جور چیزا به جای کلمه «غیره» استفاده و غیررسمی ترجمه کرده و از استراتژی بسط و معادل توصیفی به صورت ترکیبی استفاده کرده است.

That's when we started getting cocky, making monkey noises at the teenagers and whatnot. (p.72)

بافنده: اون موقع بود که کم کم به خودمون مغرور شدیم و شروع کردیم به درآوردن صدای میمون و

اون جور چیزا

به همین ترتیب، بافنده از استراتژی تحلیل مؤلفه‌ای، دگرگشت (تبدیل عبارت اسمی به عبارت فعلی) و بسط همزمان در ترجمه عبارت محاوره‌ای زیر استفاده کرده است.

Walking the kids home was no sweat. (p.155)

بافنده: رسوندن اون کوچولوها به خونه شون زحمتی نداشت.

درمثال زیر نیز می بینید که شادنظر نیز از استراتژی‌های تحلیل مؤلفه‌ای، فشرده‌سازی و معادل فرهنگی به صورت ترکیبی استفاده کرده‌است.

I kind of decided to *throw in the towel* for this Christmas, and I headed up to Rowley's house. (p.129)

**شادنظر:** تصمیم گرفتم بی خیال کریسمس امسال بشوم و رفتم خونه راولی.

در مورد تحلیل مؤلفه‌ای می‌توان گفت که به نظر نیومارک (1998:96)، یک کاربرد آن در ترجمه واژه‌هایی فرهنگی است که خوانندگان بعید است آن‌ها را بفهمند. تحلیل مؤلفه‌ای، فرهنگ را حذف و پیام را برجسته می‌کند. ممکن است تحلیل مؤلفه‌ای فوق‌العاده مفید باشد، برای مثال، چنانچه کلمه زبان مبدأ کمابیش عاری از بافت باشد و یا مترجم بخواهد محدوده معنایی یک کلمه را در زبان مبدأ نشان دهد. درست است که شادنظر فقط دو بار به‌تنهایی از تحلیل مؤلفه‌ای استفاده کرده‌است اما در ترکیب با سایر استراتژی‌ها فراوان آن را به‌کار برده‌است. در اولین مثال، وی از استراتژی‌های تحلیل مؤلفه‌ای و معادل توصیفی به صورت راهبرد ترکیبی استفاده کرده‌است.

from the front of \_ But right before the test got started, Patty Farrell *piped up* the room. (p.94)

**شادنظر:** اما قبل از شروع امتحان، صدای پتی فارل از جلو کلاس درآمد.

در مثال زیر نیز، مترجم از استراتژی‌های تحلیل مؤلفه‌ای و معادل فرهنگی به صورت ترکیبی استفاده کرده‌است.

I was sitting on the couch watching Manny play with his toys, *feeling pretty sorry for myself*. (p.126)

**شادنظر:** نشستم روی مبل و به مانی که با اسباب‌بازی‌هایش بازی می‌کرد، نگاه کردم و دلم به حال خودم سوخت.

در جمله زیر، باز مترجم از استراتژی‌های تحلیل مؤلفه‌ای، فشرده‌سازی و معادل فرهنگی به‌صورت ترکیبی استفاده کرده‌است.

I kind of decided to *throw in the towel* for this Christmas, and I headed up to Rowley's house. (p.129)

**شادنظر:** تصمیم گرفتم بی خیال کریسمس امسال بشوم و رفتم خونه راولی.

مترجم باردیگر در ترجمه عبارت محاوره‌ای زیر از استراتژی‌های معادل فرهنگی و تحلیل مؤلفه‌ای به‌صورت ترکیبی استفاده کرده‌است.

In case you're wondering what I'm doing in my room at 9.00 p.m. on New Year's Eve, *let me fill you in*. (p.133)

**شادنظر:** اگر برایت جالب است بدانی ساعت نه شب سال نو در اتاقم چه می‌کردم، بگذار خودم برات بگویم.

می‌بینیم که مترجم در ترجمه *no sweat* استراتژی تحلیل مؤلفه ای، دگرگشت (تبدیل عبارت اسمی به عبارت فعلی) را به‌کار برده، پس راهبردش ترکیبی است.

*Walking the kids home was no sweat.* (p.155)

**شادنظر:** پیاده‌بردن بچه‌ها به خانه، کار سختی نبود.

مترجم، با آوردن معادل «نشان‌بدهد»، از استراتژی‌های تحلیل مؤلفه‌ای و معادل‌سازی کاربردی به‌صورت ترکیبی استفاده کرده‌است.

*And then Manny brought it into day care for show-and-tell.*

**شادنظر:** بعد هم مانی مجله را با خودش به مهد کودک برده بود تا آن را به همه نشان بدهد.

مترجم در آخرین مثال از استراتژی تحلیل مؤلفه‌ای استفاده و یکی از دو معنا را انتخاب کرده‌است. همچنین با تغییر شیوه بیان، اسم حالت را به اسم فاعل ترجمه کرده‌است و راهبرد ترکیبی به‌کار برده‌است.

*Integrity Honesty Know-how* (p.46)

**شادنظر:** با کمالات صادق دانا

در مورد پایین بودن فراوانی دگرگشت در ترجمه هر دو مترجم باید گفت که پژوهشگران براساس تعریف عملیاتی هاشمی‌میناباد (۱۳۹۶:۲۶۰) از دگرگشت، داده‌ها را تحلیل کردند. و وقتی برای عنصر فرهنگی خاصی، مترجم شکل کامل نشانه اختصاری را در زبان مقصد آورده‌بود، بنابر این گذاشته‌شد که وی از این روش استفاده کرده‌است؛ و فقط دو مورد دگرگشت در هر ترجمه یافت‌شد.

در مقام مقایسه یافته‌های این تحقیق با نتایج سایر پژوهش‌ها می‌توان گفت که در پژوهش غلامی و سلیمی (۲۰۱۲، ۱۳) در مورد سه ترجمه عبارات محاوره‌ای رمان هاگلبری فین براساس استراتژی‌های نیومارک (۱۹۸۸-۹۱-۸۱) و بیکر (۱۹۹۲:۳۶-۲۶)، ترجمه با کلمه خنثی‌تر استراتژی غالب در هر سه ترجمه بود، بدین معنی که مترجمان مفهوم عبارات محاوره‌ای را رسانده‌اند اما در درجه بالاتری از رسمیت در مقیاس سبکی نیومارک (۱۹۹۸:۱۴). در مقابل، برای مثال، یکی از مترجمان تحقیق مذکور ۳/۱٪ از معادل فرهنگی، ۴/۱٪ از گرده‌برداری، و ۰٪ از راهبرد ترکیبی استفاده کرده‌است، در حالی که معادل فرهنگی، گرده‌برداری و راهبرد ترکیبی استراتژی‌های غالب در ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) است شاید به این دلیل که در داده‌های غلامی و سلیمی (۲۰۱۲)، پرتکرارترین عبارت محاوره‌ای، اختصارات (مک‌کریمون، ۱۷۳:۱۹۶۳) بودند (۴۵٪)، اما داده‌های حاصل از ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، اصطلاحات حجم عمده داده‌ها را تشکیل می‌دادند (۳۴٪). از سوی دیگر، دست‌کم در مورد کاربرد فراوان معادل فرهنگی در ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) نمی‌توان خرده‌گرفت چراکه بنا به گفته هاشمی‌میناباد (۱۳۹۶:۲۵۷)، برای ترجمه عبارات محاوره‌ای، جایگزینی یک کلمه فرهنگی در زبان مبدأ با یک کلمه فرهنگی در زبان مقصد یا همان معادل فرهنگی کاربرد وسیعی دارد. به عبارتی، مترجم به جای عنصر فرهنگی زبان مبدأ از عنصر فرهنگی موجود در زبان مقصد استفاده می‌کند و با وجود اینکه امکان دارد تفاوت‌هایی بین این دو باشد، این‌گونه معادل‌یابی صحیح است.

در پژوهش مهدوی ثابت (۱۴۰۱: i)، با اینکه استراتژی‌های گاتلیب (۱۹۹۲: ۱۶۶-۱۷۱) برای عبارات محاوره‌ای منطبق با مدل مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳) در زیرنویس انیمیشن‌ها استفاده شده است ولی چند استراتژی مشترک با استراتژی‌های نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱) دارد و مقایسه یافته‌های دو تحقیق خالی از لطف نیست. برعکس راهبردهای مورد استفاده شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، مهدوی ثابت (۱۴۰۱: i) کاربرد استراتژی انتقال را ۶۳٪ و به عنوان استراتژی غالب مترجم تحقیق خود شناسایی کرد. همانند وی، برزگر (۲۰۰۸: ۱) راهبردهای زیرنویس فارسی عبارات محاوره‌ای (مک‌کریمون، ۱۷۳: ۱۹۶۳؛ هلمز، ۱۹۹۲: ۲۵۶) در دو فیلم کم‌دی انگلیسی را بررسی کرد؛ و بیشترین استراتژی ترجمه‌ها در زیرنویس آن دو فیلم کم‌دی نیز انتقال بود. این درحالی‌که است که در ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) از استراتژی انتقال هیچ استفاده‌ای نشده است. شاید به این دلیل که مقوله غالب بیان محاوره‌ای در پژوهش وی اختصارات بود (بیش از نیمی از تمام عبارات محاوره‌ای) که استراتژی انتقال را برای ترجمه می‌طلبید؛ ولی در ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، عبارات محاوره‌ای اصطلاحی بیشتر از سایر انواع عبارات محاوره‌ای در داده‌ها موجود بود که با معادل فرهنگی، گرت‌برداری و راهبرد ترکیبی برگردان شده بودند.

در مقایسه‌ای دیگر می‌توان دید که بیشترین ویژگی عبارات محاوره‌ای در داده‌های تحقیق ظفرقندی و فلاح دوست (۲۰۱۳: ۲۲۳) و در سه ترجمه فارسی کتاب پیرمرد و دریا، ویژگی اختصارات (مک‌کریمون، ۱۷۳: ۱۹۶۳) بود (۵۲٪) و شاید به این دلیل آنان تشخیص دادند که مترجمان بیشتر از استراتژی‌های حذف، ترادف و بسط استفاده کرده‌اند. بالعکس، قسمت عمده داده‌های تصادفی از ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) را اصطلاحات تشکیل می‌دادند و در نتیجه آنان به معادل فرهنگی، گرت‌برداری و راهبرد ترکیبی روی آورده‌اند.

صادق‌پور (۱۳۹۲: iv) نیز به بررسی استراتژی‌های ترجمه مورد استفاده در دوبله انیمیشن‌های کم‌دی از انگلیسی به فارسی پرداخته است. یافته‌های وی نشان داد که مترجمان فارسی به جای ترجمه تحت‌اللفظی، تمایل به استفاده از عبارات آشنا دارند، درحالی‌که گرت‌برداری (ترجمه تحت‌اللفظی) فراوانی بالایی در داده‌های تصادفی از ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) دارد. شاید این نکته نشان می‌دهد که دوبله فیلم و ترجمه رمان مستلزم کاربرد استراتژی‌های ترجمه متفاوتی هستند. دیگر شاهد این تفاوت ترجمه دیداری-شنیداری و ترجمه مکتوب را در تحقیق صالح‌آبادی (۱۴۰۱: iv) می‌توان یافت. وی با کاربرد مدل مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳) برای عبارات محاوره‌ای و استراتژی‌های زیرنویس توسط مدل گاتلیب (۱۹۹۲: ۱۶۶-۱۷۱)، به بررسی عبارات محاوره‌ای و استراتژی‌های ترجمه در زیرنویس انیمیشن‌های شرک و عصر یخبندان پرداخت و دریافت که استراتژی انتقال با فراوانی ۱۳۶ بار، غالب‌ترین و پرکاربردترین استراتژی است. این درحالی‌است که شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) از استراتژی انتقال استفاده نکرده‌اند.

در بررسی ترجمه فارسی به انگلیسی عبارات محاوره‌ای و عامیانه آثار جمال‌زاده «سروته یک کرباس» و «یکی بود یکی نبود» به همت جلال‌پور و حیدری‌تبریزی (۲۰۱۷: ۱۰۱۱)، عبارات محاوره‌ای با ویژگی مدل‌های مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳) و هلمز (۱۹۹۲: ۲۵۶) بررسی شدند.

از آنجا که تعداد داده‌های آنان ۸۴ عبارت بوده و تقریباً هم‌تعداد داده‌های پژوهش حاضر است (۱۰۰ عبارت)، جالب است که مترجمان جمعاً در تحقیق آنان همانند شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) از استراتژی دگرگشت کم استفاده کرده‌اند؛ بافنده ۲٪، شادنظر ۳٪ و مترجم‌های تحقیق جلال‌پور و حیدری‌تبریزی (۲۰۱۷:۱۰۱۱) ۳٪. نیز استفاده اندک آنان از استراتژی معادل توصیفی؛ مترجم‌های تحقیق آنان ۲/۵٪، و درمقابل بافنده ۳٪ و شادنظر ۵٪؛ جلب‌توجه می‌کند. دیگر وجه تشابه بین یافته‌های آنان و نتایج حاصل از ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، میزان استفاده از استراتژی حذف است؛ بافنده ۴٪، شادنظر ۵٪ و مترجم‌های تحقیق آنان، ۵٪. نهایتاً در دگرگشت هم مترجم‌های تحقیق آنان، ۲٪ و همانند شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) هم هرکدام ۲٪ از دگرگشت استفاده کرده‌اند. درست است که ترجمه‌های شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰) انگلیسی به فارسی است و پژوهش جلال‌پور و حیدری‌تبریزی (۲۰۱۷: ۱۰۱۱) بر ترجمه فارسی به انگلیسی متمرکز بود، اما ژانر هر دو رمان و ادبیات داستانی بود و این نتایج مشابه تا حدی نمایانگر لزوم کاربرد استراتژیهای یکسان در ترجمه یک ژانر ادبی واحد است.

درکل، مشخص شد که از بین ۱۷ استراتژی نیومارک (۸۱-91۱۹۸۸) برای ترجمه عبارات محاوره‌ای، بافنده (۱۳۹۰) بیشتر از استراتژی معادل فرهنگی استفاده کرده‌است (۲۶٪) که نشان‌دهنده وی به فرهنگ زبان مقصد (فارسی) و بومی‌سازی متن ترجمه گرایش داشته‌است. درمقابل، شادنظر (۱۴۰۰) بیشتر خلاقیت به خرج داده و راهبرد ترکیبی (۲۴٪) برای عبارات محاوره‌ای ارائه داده‌است. دیگر تمایل دو مترجم عبارت است از گرت‌برداری (۱۶٪ بافنده و ۲۲٪ شادنظر) و راهبرد ترکیبی (۱۵٪ بافنده) است که نشان‌دهنده چاره‌اندیشی زیرکانه بافنده (۱۳۹۰) در عین استفاده هم‌زمان از بومی و بیگانه‌سازی در ترجمه است؛ آنجا که معادل فرهنگی ممکن بوده بدان تمسک بسته و آنجا که نه، گرت‌برداری کرده و یا دو استراتژی را خلاقانه باهم ترکیب کرده‌است. شادنظر (۱۴۰۰) نیز آنجا که نتوانسته دو استراتژی را باهم ترکیب کند، همانند بافنده (۱۳۹۰) به گرت‌برداری (۲۲٪) و بیگانه‌سازی روی آورده و پس از آنجا هم به معادل فرهنگی (۱۱٪)؛ گویی در ترجمه عبارات فرهنگ-محور محاوره‌ای، چاره‌ای جز بیگانه‌سازی و بومی‌سازی توأمان و خلاقیت نیست. البته شاید دلیل مسئله فوق این است که بیشتر عبارات محاوره‌ای در این ۱۰۰ مورد، اصطلاح است همچنان که نیومارک (1988:114) بر اهمیت درک بافت اصطلاحی عبارات محاوره‌ای برای ترجمه درست آن‌ها تأکید کرده‌است. در مجموع، اگرچه عبارات محاوره‌ای، عناصر فرهنگی و اصطلاحات در زبان اهداف متفاوتی دارند، اما مواردی وجود دارد که آن‌ها باهم تلاقی می‌کنند. به‌عنوان مثال، یک اصطلاح می‌تواند یک عبارت محاوره‌ای باشد، یا یک اصطلاح محاوره‌ای ممکن است حاوی عناصر خاص فرهنگی باشد. در چنین مواردی، مترجمان باید از این ویژگی‌های همپوشانی آگاه باشند و از استراتژی‌های مناسب برای ترجمه درست آن‌ها استفاده کنند (نیومارک، 1988:141). این نیز توجیهی است برای اینکه مترجمان از استراتژی ترکیبی برای این عبارات محاوره‌ای استفاده کردند.

البته با نگاهی کلی به مجموعه داده‌ها درمی‌یابیم که معیار خاصی برای استفاده از استراتژی خاصی برای ترجمه محاوره‌ای وجود نداشته و تاحدی به سلیقه و دانش مترجمان و وفاداری آنان به متن مبدأ بستگی داشته‌است. به عبارتی، ترجمه همانند «نقاشی» است و محصول هر ترجمه صحنه‌ای را برای مخاطب به‌نمایش می‌گذارد اما فضای متن مبدأ را کامل دربر نمی‌گیرد. هنگامی که مترجم دیگری همان متن را دوباره ترجمه می‌کند، تفاوت‌هایی ظریف پدیدار می‌شوند و نمی‌توان این نقاشی را با پالت و قلم‌موهای دیگر، عیناً به تصویر کشید (تیوربرگ، ۲۰۱۴: ۲). از طرفی، قواعد مشخصی برای ترجمه عبارات محاوره‌ای وجود ندارد، پس این مترجم است که ابتدا در مورد اولویت‌های خود تصمیم می‌گیرد و سپس مناسب‌ترین ترجمه را انتخاب و ارائه می‌کند (اولویدین و آبراموویته، ۲۰۱۲: ۱۰۵).

از آنجاکه شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، به‌خوبی و با موفقیت برگردان‌هایی ارائه داده‌اند که موجب شده درکل از کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» در ایران استقبال شود، پیشنهاد می‌شود مترجمان آتی رمان‌های دارای عبارات محاوره‌ای، از دو استراتژی پرکاربرد معادل فرهنگی و راهبرد ترکیبی آن‌ها، در ترجمه عبارات محاوره‌ای استفاده کنند. همچنین، به‌تراست در ترجمه عبارات محاوره‌ای که اصطلاح هستند از استراتژی معادل فرهنگی استفاده کنند. در آخر، شایسته است که استادان رشته مترجمی در کلاس‌های ترجمه متون ادبی، درابتدا عبارات محاوره‌ای انگلیسی را به دانشجویان بشناسانند و سپس با طرح مثال، نحوه کاربرد استراتژی‌های نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱) در ترجمه این عبارات را به آنان بنمایانند تا در آینده حین ترجمه عبارات محاوره‌ای بخصوص در رمان‌های انگلیسی به فارسی بتوانند از این استراتژی‌ها مخصوصاً معادل فرهنگی، راهبرد ترکیبی و گرده برداری استفاده کنند.

از آنجاکه در تحقیق حاضر، عبارات محاوره‌ای براساس مدل مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳) انتخاب شد ولی مدل هلمز (۱۹۹۲: ۲۵۶) و ویژگی‌های عبارات محاوره‌ای پارتریج (۱۹۹۰: ۲۶۲) وی بررسی نشد، تحقیقات آینده می‌توانند عبارات محاوره‌ای را براساس این دو چارچوب نظری و یا براساس ترکیبی از سه مدل انتخاب کنند. دیگر موضوع پیشنهادی این است که بررسی شود ترجمه کدام نوع عبارت محاوره‌ای - براساس مدل پیشنهادی مک‌کریمون (۱۹۶۳: ۱۷۳)، هلمز (۱۹۹۲: ۲۵۶)، ویژگی‌های عبارات محاوره‌ای پارتریج (۱۹۹۰: ۲۶۲) و یا ترکیبی از هر سه - در ترجمه شادنظر (۱۴۰۰) و بافنده (۱۳۹۰)، مستلزم کاربرد کدام استراتژی ترجمه نیومارک (۱۹۸۸: ۹۱-۸۱) است و با چه فراوانی. همچنین، در این تحقیق فقط جلد اول کتاب «خاطرات یک بی‌عرضه» مورد بررسی قرار گرفت و با انتخاب ۱۰۰ عبارت، در تحقیقات پیش رو می‌توان جلدهای دیگر و تعداد بیشتر عبارات محاوره‌ای را هم بررسی کرد.

در آخر نیز می‌توان گفت که این تحقیق فقط عبارات محاوره‌ای رمان را بررسی کرد ولی محققان دیگر می‌توانند دوبله یا زیرنویس این‌گونه عبارات را در انیمیشن‌ها و فیلم‌ها بررسی کنند و براساس سایر دسته‌بندی‌های استراتژی‌های ترجمه عناصر اصطلاحی و فرهنگی همچون مولینا و آلبیر (۲۰۰۴: ۵۰۹-۵۱۱) چراکه اصطلاحات و عناصر فرهنگی با عبارات محاوره‌ای همپوشانی بسیار دارند (نیومارک، ۱۹۸۸: ۱۴۱). علاوه بر این، ساتن (۱۹۵۶: ۱۱-۴۲) عبارات محاوره‌ای فارسی،

طبقه‌بندی کرده‌است که می‌تواند مبنای بررسی معادلهای فارسی برای عبارات محاوره‌ای رمان‌ها، انیمیشن‌ها و فیلم‌های انگلیسی قرارگیرد؛ آن‌هم افزون بر نوع دسته‌بندی‌های عبارات محاوره‌ای در انگلیسی و استراتژی‌های ترجمه عبارات محاوره‌ای که می‌توانند مبنای تحقیق قرارگیرند تا مشخص شود آیا مترجمان توانسته‌اند عبارات محاوره‌ای انگلیسی را به عبارات محاوره‌ای فارسی برگرداند یا خیر.

### منابع و مأخذ

- کینی، جف. (۱۴۰۰)، خاطرات یک بی‌عرضه. مترجم: ندا شادنظر. تهران: ایران‌بان.
- کینی، جف. (۱۳۹۰)، خاطرات یک بی‌عرضه. مترجم: فرخ بافنده، تهران: جیحون.
- صادق‌پور، حمیدرضا. (۱۳۹۲). بررسی روش‌های ترجمه در دوبله فارسی کارتون‌های انیمیشن انگلیسی با تأکید بر عبارات طنز، اصطلاح و محاوره پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد. [گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایراندک)].
- صالح‌آبادی، امیر. (۱۴۰۱). بررسی عبارات محاوره‌ای و راهبردهای ترجمه مرتبط در زیرنویس انیمیشن شرک و عصر یخبندان [پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید باهنر کرمان]. گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایراندک).
- مهدوی‌ثابت، محمود. (۱۴۰۱). بررسی عبارات محاوره‌ای و راهبردهای ترجمه آن‌ها در زیرنویس فیلم انیمیشن عصر یخبندان (۲۰۰۲) [پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع)]. گنج، پایگاه اطلاعات علمی ایران (ایراندک).
- هاشمی‌میناباد، حسن. (۱۳۹۶). "ابزارهای مفهومی نقد ترجمه (۲): فنون و راهبردها، تکنیک‌ها و تاکتیکها". فصلنامه نقد کتاب، (۱۲)، ۲۴۷-۲۶۸.

### Acknowledgements

We would like to express our thanks to reviewers for their valuable suggestions on an earlier version of this paper.

### Declaration of Conflicting Interests

The author(s) declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship and/or publication of this article.

### Funding

The author(s) received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

### REFERENCES

- Barzegar, H. (2008). *Translation of colloquial expressions in English-into Persian subtitled films*:  
<http://www.translationdirectory.com/articles/article1541.php> [In Persian]
- Collins Cobuild Advanced Dictionary (CCAD). (2024). HarperCollins, [30.05.2024]:  
<https://www.collinsdictionary.com/dictionary/english> [In Persian]
- Davies, E. E. (2003). "A goblin or a dirty nose? The treatment of culture-specific references in translations of the Harry Potter books". *The Translator: Studies in Intercultural Communication*, 9(1), pp 65-100. DOI: [10.1080/13556509.2003.10799146](https://doi.org/10.1080/13556509.2003.10799146) [In Persian]
- Dickins, J., Hervey, S., & Higgins, I. (2002). *Thinking Arabic Translation*. Routledge. [In Persian]
- Gholami, M., & Salimi, L. (2012). "Translation of colloquial expressions in literary texts". *Translation Studies*, 10 (38), 13-26. Retrieved from:  
<https://www.sid.ir/en/journal/viewpaper.aspx?id=512359>. [In Persian]
- Gottlieb, H. (1992). "Subtitling: A new University discipline. In C. Dollerup & A. Ladegaard (Eds.)", *Teaching translation and interpreting: Training, talent and experience*, pp.161-170, John Benjamin. [In English]
- Hashemi-Minabad, H.,. (2017). "Conceptual Tools of Translation Criticism) 2): Techniques and Strategies, Techniques and Tactics". *Quarterly Journal of Book Criticism*, No. 12, pp 247-268. [In Persian]
- Holmes, J. S. (1992). *An Introduction to Sociolinguistics*. Longman.
- Jalalpour, E., & Heydari Tabrizi, H. (2017). "A study of English translation of colloquial expression in two translations of Jamalzadeh: Once upon a time and Isfahan is half of the world". *Journal of Language Teaching and Research*, 8(5), pp1798- 4769. [In Persian]
- Keeney, J., (2011), *Memoirs of a Disadvantaged Person*. Translator: Farrokh Bafandeh, Tehran: Jeyhoon. [In Persian]

Keeney, J., (2021), *Memoirs of a Disadvantaged Person*. Translator: Neda Shadnazar. Tehran: Iranban. [In Persian]

Kinney, J. (2007). *Diary of a Wimpy Kid*. Amulet Books. [In English]

Mahdavi-Sabet, M., (2002). *A study of colloquial expressions and their translation strategies in the subtitles of the animated film Ice Age* (Master's thesis, Imam Reza International University). Ganj, Iran Scientific Information Database (Irandoc). [In Persian]

McCrimmon, J. (1963). *Writing with a Purpose*. Houghton. [In English]

Molina, L., & Albir, A. H. (2004). "Translation techniques revisited: A dynamic and functionalist approach". *Meta*, 2002 XLVII, IV, 498-512. DOI: [10.7202/008033ar](https://doi.org/10.7202/008033ar) [In English]

Newmark, P. (1988). *A Textbook of Translation*. Prentice Hall International. [In English]

Oxford University Press. (2024). Oxford Learner's Dictionaries. Oxford University Press ELT Division, [30.05.2024]:

<https://www.oxfordlearnersdictionaries.com> [In English]

Partridge, E. (1990). *Colloquialism in the Encyclopedia Americana*. Grolier Incorporated. [In English]

Pearson Longman. (2024). Longman Dictionary of Contemporary English Online. Pearson PLC, [30.05.2024]:

<https://www.ldoceonline.com> [In English]

Sadeghpour, H., (2013). *A study of translation methods in Persian dubbing of English animated cartoons with emphasis on humorous expressions, idioms and colloquial expressions* [Master's thesis, Ferdowsi University of Mashhad.] Ganj, Iranian Scientific Information Database (IranDoc). [In Persian]

Salehabadi, A., (2022). *A study of colloquial expressions and related translation strategies in the subtitles of the animations of Shrek and Ice Age* [Master's thesis, Shahid Bahonar University of Kerman]. Ganj, Iranian Scientific Information Database (IranDoc). [In Persian]

Sutton, L. P. (1965). *Colloquial Persian*. Routledge and Kegan Paul LTD.

Tverberg, L. (2014). Speaking is painting: Why no translation can be perfect. Retrieved from: <http://ourrabbijesus.com/articles/speaking-painting-bible-translation/> [In English]

Ulvydienė, L., & Abramovaitė, B. (2012). "Literary style in translation: Slang in J.D. Salinger's *The Catcher in the Rye*". *Studies about Languages*, 20(1), 100-108. DOI: [10.5755/j01.sal.0.20.1776](https://doi.org/10.5755/j01.sal.0.20.1776) [In English]

Zafarghandi, A.M.A., & Falahatdoost, S. (2013). "A comparative study of English colloquial language utterances in novel translation from English to Persian". *International Researcher*, 2(1), pp 222- 239. [In Persian]